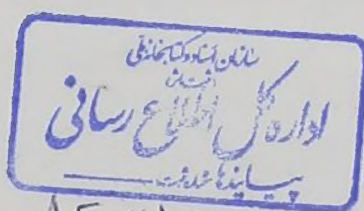


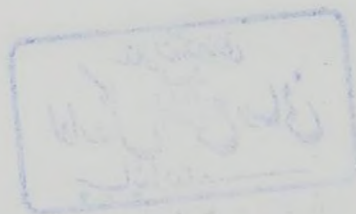
۱۵
۶۵-۳



۸۲,۲۵۸۱۱

۷۲۲۵۱۱

۵۳۵۳



۸۴۸۴

د بهتانیان ایران

شماره ۵ چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ (دوره دوم)

دیگر هیچ بهانه‌ای باقی نمانده است
بک بار دیگر نقاط‌های اساسی ملت ایران را

یاد آوری مینمائیم

دکتر مصدق که یک عمر از حقوق مردم و از آزادی و دموکراسی حرف میزد حالا که نعت وزیر شده همه گفته‌های چندین ساله خود را فراموش کرده و برای قرار از زیر بار مسئولیتی که بموده اوست در مجلس متحن گردیده و کوچکترین اقدام اساسی برای اصلاح وضع وقت بار زندگی مردم بعمل نیاورده است.

ما بآنکه اطمینان داریم که دولت دکتر مصدق بیا این ریخت و با این ترکیب دردی از ملت ایران در میان نخواهد کرد، مگر، برای نقضات ملت ایران و برای اینکه جای هیچگونه حرف و مجامله کاری باقی نماند بک بار دیگر نقضات اساسی ملت ایران را یادآوری مینمائیم:

۱- حکومت‌های گذشته از جمله حکومت ساعد و رزم آرام و علاء بدستور استعمارگران خارجی آزادی را از ملت ایران سلب کردند، احزاب آزادخواه و اتحادیه‌های کارگری را غیر قانونی اعلام کردند و جمعی از کارگران و دهقانان و روشنفکران وطن ما را بجرم آزادی خواهی در سیاه چال‌های زندان گرفتار ساختند. آقای دکتر مصدق اگر واقعا بآنچه که قبل از نعت وزیر شدن میگفت عقیده دارد.

باید اکنون که رئیس دولت میباشد بیش از هر کار قبلی و نه استعمار را از گریبان ملت ایران بردارد، احزاب و

جمعیت مبارزه با بیسوادی

برپاست جناب آقای علی اکبر دهقان در تهران تشکیل یافته است ما ضمن تبریک بپوشش جمعیت خصوصاً بجناب آقای دهقان که از متاهلین ایران هستند توفیق و کامیابی جمعیت را خواستاریم و امیدواریم که آن جمعیت بتواند بیسوادی ایرانی خصوصاً دهقانان بیسواد را در آموختن خواندن و نوشتن یاری کند و در دهات شبانجامیت را هر چه زودتر دایر نماید. انجمن کمک دهقانان ایران تا آنجا که در قوه دارد با جیت مزبور همکاری و معاضدت خواهد کرد.

متن شادباش یکی از دهقانان اصفهان در جشن پر شکوه و با جلال اول ماه اصفهان

برادران کارگرم! وقتی رفقای دهقان من که در این میدان برای شرکت در جشن زحمتکشان اصفهان جمع شده اند بن گفتند: برو آن بالا از قول ما هم حرفی کارگران تبریک بگو، من از ذوق و خوشحالی توانستم زیاد مطلق شوم. من در پشت این پرچند کلمه نوشتم که برای شما بگویم

بجای تانک و توپ بر ای دهقانان ایران تر اکتور و خرمن کوب تهیه کنید.

مصاحبه با یک دهقان

زندگی و مبارزه یک دهقان ورامینی

علی همت چند سال است که دهقان است و در قطعه زمینی در ده آفرین با چشمانی ضعیف و کم و نور کار میکند، علی همت چهار کودک ایت و عورو کرشنه دارد که بزرگترین آنها ده سال دارد و کوچکترین آنها یکسال و نیمه است. خودش و فرزندهایش که یک خانواده شش نفری روستائی را تشکیل می دهند با یک هکتار زمین در ده آفرین که در اختیار دارد و عوامی که زن و فرزند هایش از کرایه کاری در خانه های این و آن بدست میآورند با تنگی و عسرت میکشانند.

هر کس علی همت را با موهای سپید و چشمان کم نور و قد خفیه می بیند او را یک پیرمرد پنهان، شصت ساله تصور میکند در صورتیکه چنین نیست. علی همت فقط ۳۲ سال دارد و خودش میگوید که چشم های او در اثر بی قوت و غذائی از کار افتاده و بی قوه شده است.

علی همت سرگذشتی شنیدنی دارد. پدرش سلطان محمد انترانش بوده است و در حین انجام وظیفه جان سپرده است. علی همت با اموالی که از پدرش بارت برده بود تحت سرپرستی عمویش نورمحمد که در ده آفرین بزراعت مشغول بوده قرار گرفته و هنوز بهشت سالکی رسیده

اولین قدم

و زندگی را با رنج و تشویش و احتیاج میکشانند.

در همین کشور سهراب خان هیچ کار و باری ندارد همیشه مست است. برای سرگرمی خود رفیق و دوست از شهر دعوت میکند و شبانروز عیش میکنند و خوش میکشانند. از بس که سهراب خان در شهر شرافت کرده و آبروی ظاهری ارباب غلامرضا خان را برده بود اخوی باین راضی شده بودند که سهراب در ده بماند و هر چه میخواهد بکند و بشهر برنگردد.

بقیه در صفحه ۲

دهقان آواره آذربایجان



محمد ابراهیم معینی اهل کلخوران علیا اردیل است. در محل دارای خانه و زندگی و چندکان بوده که از ظلم و جور مأمورین دولت و زانداران متهواری شده و فعلاً در تهران آواره است. دو روز و دو روز نان پیدا نمیکند. در این عکس تکه نان سنگک کهنه و خشک پیدا کرده آنرا در آب غیسی میکند تا بآن سد جوع نماید.

فقط اتحاد و مبارزه داری دردهای دهقانان است.

شهرزاده اوسا هم گرییم

شاعر شیرین سخن ما «ستوده» که مدتیهات از درد وطن مینالده، ظاهر آ و بنظور تخفیف این درد و باطنی برای دریافت جابزه‌ای که اداره جلیله تبلیغات سرانیده بهترین شعر وطنی میدهند این شعر را سروده امیدواریم که شعر ایشان باب دندان هیت تشخیص واقع شده وایشانرا تبرئه جابزه اول معرفت نمایند. ضمناً اگر چیزی از جو انزریاد آید مستقیماً برای شاهزاده اوسا هم گرییم بفرستند.



ای دهاتی، شهری، ای چادر نشین ای برادر، ملت ایران زمین سیر کن جانم سیاحت کن دادش نوی خط این بزرگونات باش

بقیه در صفحه ۴

ای بزرگ

صد ساله و لن و مالک شیشه‌ای در کلبه خرابه ده آرمیده ای از بهر مالکان و خود خوشه جیدای با آنکه رنج و زحمت وافر کشیده‌ای در برتر است جامه صد جا دریده‌ای مالک، دوباره رفته و از او خبری نیست در زیر بار قرض مداوم خمیده ای تا کی چنین بگوشت محنت خیزده‌ای هرزه گیاه ظلم و ستم بسرویده‌ای

دانی که جیبت یاور داس تو بزرگ بازوی سخت و چکش فولاد کار گر

ح - سپیده

خشکسالی دهقانان محروم اصفهان را نهانده میکند و در این میان استاندار عوام قریب اصفهان در فکر زدوبند است

افتاده اند. در این میان مقامات دولتی تحت رهبری استاندار که از وابستگان جبهه عوام قریب ملی است در فکر زد و بند هستند و آب رودخانه را بنده رود را به صاحبان املاک میفروشند و هر کس رشوه بیشتری بپردازد به او میدهند چنانچه اکنون بوسیله یک گردان نظامی آبرود را از لجنانات بریده و بمالکین عبده و دشت و برآورد آن فروخته اند و این مالکین حریص نیز به این بهانه دارو ندار دهقانان را بزرور میکشند.

دهقانان در آتش فقر و گرسنگی میسوزند ولی مذهب اسلام را بی پروا بزندگی آنان تاخت می آورند. این وضع شرم آور در بازو بدست دهقانان و کارگران برچیده خواهد شد.

روز هفت خرداد

روز مبارزه ملت ایران علیه شرکت های استعماری نفت در ایران است. مردم تهران روز سه شنبه ۷ خرداد ساعت ۳ بعد از ظهر در میدان فردوسی (نقیر آباد) مجتمع خواهند شد تا ضربه یک دموکراسیون عظیم که اعت ۵ بعد از ظهر شروع خواهد شد. استعای ملت را بسج

دهقانان حومه را به نظارات ملی دعوت کنیم.

بواسطه تراکم اخبار رقیه نفق آقای دادیار عضو هیئت مدیره انجمن بشماره آینده موقوف می شود.

اخبار و شکیات

از آثار حکومت پیشوا!

بطوریکه روز نامه ها خبر میدهند یکی از خبر نگاران روز نامه بسوی آیت الله بنام اسمعیل غزنوی و احمد زاده مدیر نور اسلام را حکومت نظامی آبادان گرفتار حبس و زجر گردانیده است ما ضمن ابراز تنفر نسبت باین آدم دزدیها متذکر میشویم که این خیانت در زمان حکومت دکتر مصدق که اصرار دارد خود را از قماش راز باز داشته و روز آراء و علاقه نداند صورت میگیرد و مردم بسا مشاهده این اعمال وحشیانه نمیتوانند میان این رئیس دولتها تفاوتی نباشند.

در رشت و بابل و آبادان و اهواز نیز هربلانی مانع کار نمایندگان جراید آزادخواه شده و حتی مدیران چند بنگاه مطبوعاتی را باز داشت نموده اند این اعمال آزادخواهانه هم در زمان حکومت آقای دکتر مصدق، پیشوای قلابی صورت میگرفت.

از دولت خواستاریم بیش از این آبروی خود را نزد و باین خود سر بها خانه نهد.

حکومت نظامی خوزستان

جهت ملی مبارزه با شرکت نفت ایران و انگلیس در تاریخ ۳۰ و ۳۱ آبان ماه ای به آقای دکتر مصدق نخست وزیر نوشته که خلاصه آن حاکی از آنست که در خوزستان حکومت نظامی به عملیات خود سرانه مشغول است و شمشیر و سرنیزه بار دیگر حاکم بر سرنوشت کارگران و مردم آنجا شده است قانون شکنیها و حبس و تبعید مایه هفت تمام رواج دارد کار آموزان که از ترس حکومت نظامی متواری شده اند جرئت باز گشت بآبادان را ندارند.

مدیر روز نامه نور اسلام در خرم شهر که در آنجا حکومت نظامی نیست به وسیله نظامی ها دستگیر و زندانی میشود با وجود خانه اعتصاب باز حبس و تبعید ادامه دارد.

جهت ملی از آقای دکتر مصدق نخست وزیر میخواهیم که باین حق کتبیها و خود سر بهای نظامی ها خاتمه دهد و حکومت نظامی را در خوزستان ملغی سازد و بازداشت شدگان را آزاد نماید و به تبعیدی ها و آوار گان تائین ممکن بخشد.

شکایت کارگران

نمایندگان کارگران کارگاه سد سازی کرج از طرف عموم کارگران تقاضا دارند که:

- ۱- مدت کار روزانه آنها به ۸ ساعت تقلیل یابد.
- ۲- مزد ایام تعطیل بدون کار پرداخت شود.
- ۳- حد اقل مزد روزانه طبق قانون کار تعیین شود.
- ۴- روزها و ساعاتی که کارفرما کارگران را تعطیل میکند بکارگران حقوق پرداخت شود.
- ۵- پرداخت اضافه بابت کار شب (نسبت ۲۵ درصد).
- ۶- پرداخت اضافه بابت اضافه کار (نسبت ۲۵ درصد).
- ۷- شرکت آسا بجای آنکه تقاضای مزبور را که همه از طبیعت ترین حقوق کارگران سرچشمه میگردد بپذیرد دسته ای جانو کش بصل اعزام داشته است تا مزاحمت کارگران را فراهم کند.
- ۸- ضمناً جانو کشان مزبور مزاحمت دو جوان آموزگار که در آن حوالی مسکن دارند شده اند این آموزگاران که با سختی عمری گذرانده و درسی خوانده و



گوشه ای از میتینگ با شکوه صلح در اصفهان

شماره ۵

آنها مینویسند که در مانگه فاند طیب و جراح و قابل و دارو است. بیمارستان سابقاً سه دکتر داشته اینک دارای یک دکتر من و ضیف الزاج است که کاری نمیتوان انجام دهد. از قابل و در مانگه مینویسند که میباید و میرود و به کسی کاری ندارد عدم رسیدگی قابل باعث شده است چند زن در هنگام زایمان جان سپارند در خانه نامه تقاضای اقدام عاجل نموده اند.

انتقاد: شاکیان چیزی اضافه از معمول از وزیر بهداشتی نخواسته اند تا بدست اندازهای کسر بودجه و اعتبار دچار شود شایسته است وزارت بهداشتی به تقاضای اهالی توجه نموده در رفع نواقص در مانگه اقدام فوری بنماید.

دهقانان بیدار

دهقانان دهکده چاله طرخان ۶۱ کیلومتری جنوب شهرری در وضع فلاکت باری زنده گی میکنند ارباب آنها حاج ناصر علوی (تاجر کردن کلفت بازاری آمدن) چهار سال است که حق و حساب دهقانان را ندادند است و از همین سهم بخور و نیری که بعنوان پنج یک یعنی برابر با سهم کار اربابها بدهقانان زحمت کش می - دهند این حاجی بازاری خود داری میکند بوجه دهقانان را برده بدون اینکه سهم ناچیز آنها را بدهد سر خرمن تمام محصولات را میبرد و در عوض بدهقانان فیش و کتک تحویل میدهد.

اما خوشبختانه دهقانان چاله طرخان بیدار شده اند آنها فهیبد اند که مبارزه دسته جمعی آنهاست که میتواند زنجیر استارت و رعیتی آنها را باره کند مبارزه دهقانان چاله طرخان باز ترده دها و دیگر هم شده است این دهقانان مبارزه با اجتناب کمک بدهقانان و مراجع قانونی کشور شکایت کرده اند.

در پشت قلعه چاله طرخان این شعار چشم میخورد

«دهقانان زحمتکش متحد شوید»

دهقانان باین راه موفقیت بی برده اند و فهیبد اند که در سایه اتحاد زحمتکشان است که بامید زندگی شیرین مبارزه میکنند مبارزه دسته جمعی دهقانان چاله طرخان شهری سرشقی است برای دهقانان دیگر که میبهره اند از گرسنگی و بیسودی نجات پیدا کنند.

بسنایت ولادت حضرت حجت سه شنبه آیت الله چایخانه ها تعطیل است و بهمن جهت روزنامه اعتقاد هفته آینده منتشر نخواهد شد.

از نمایندگان روز نامه که حساب خود را تسویه نکرده اند تقاضا میشود هر چه زود تر بدهی خود را پرداخت نمایند تا چاپ و انتشار منظم روز نامه مواجه با اشکال نکرده

در نقاط زیر: آ. باده. اندیشک ایلام. بجنورد. بنهرشاهپور. بندرفیاس بوشهر. تربت حیدریه. تربت جام. تویسرکان. کازرون. کاشمر. کردکوی کرمان. مشکین شهر. شاهرود. تبریز. مریچه خورت. نجف آباد. ابریز فارس. نیشابور. هفتک. بشابنده داریم داوطلبین با مکتبه نمایند.

انتقاد

صاحب امتیاز هدایت اله داوری آبولمان یکماه ۱۰۰ ریال شش ماهه ۵۰ ریال چاپخانه آفتاب

دهقانان که نامه تظلم آمیزی بدستش داده اند دستور داد با نهادهای کتبه و جانو کشان آنها را مضروب ساختند حتی نوزدی دستور داد که دهقانان مظلم را در طولیه حبس کنند. ژاندرمری تحت نفوذ مالک بوده و بشکایت دهقانان ترتیب اثر ننیده. انتقاد: مادر عین حال که بدهقانان شهریار یاد آور میشویم که فقط با مبارزه و اتحادی توان ریشه ظلم را از سر اسر دهاات ایران برکنند.

اولای امور و کسانیرا که وظیفه دار رسیدگی بشکایات دهقانان هستند متوجه میسازیم که از تمدی این مالک ظالم و مباشر خودسر او جلو گیری کنند

ارباب قریه پیشوا از چند سطل آب جریبه میگیرند از پیشوا خبر میرسد شخصی بنام ابوطالب قارونی که با غارت و چاول هستی دهقانان عنوان ارباب و مالک را بخود گرفته است چند روز پیش دهقانی به نام حسین را که از آب توبی او چند سطل آب برداشته بود پس از فحش و ناسزا مبلغ یکصد ریال جریبه میکند انتقاد: تا دهقانان باهم متحد نباشند دزدیها و غارتگریها ادامه خواهد داشت اتحاد و مبارزه سدره عملیات پیشروانه اربابان خواهد بود.

بی آبی نیز بالای جان دهقانان و خورده مالکین شده است.

از قراء احمد آباد و حسن آباد و فیروز بهرام و گلستد و شاه طسره بلوک غار اطلاع میدهند که مستاجرین دهاات یکصد ریال جریبه کردند و جیو را که در این فصل بخصوص برای دهقانان ارزش جاتی دارد بصرف کشت هندوانه و خربزه میروسانند و بهمنی جبه ماحصل بکسان زحمت و رنج دهقانان در اثر حرص و آزمستاجرین و مباشرین به خطرناوردی نزدیک میشود در مقابل اعتراض دهقانان ژاندرمری این دستگاه زبون و جیره خوار ارباب و مالک به حمایت مستاجرین بر خوسته و بکنفرس گروهبان پست علیشاه عوش و چند ژاندارم را برای جلوگیری از اقدامات دهقانان در احداث آباد ترکز داده که همه روزه مزاحم دهقانان زحمت کش باشند تا ارباب و مستاجر بتوانند به غارت و دزدی آب خود ادامه دهد.

انتقاد: دهقانان عزیز را که در موقع انتخابات کول این جانیان را بخورید و تضایق و بند و اندوز به شما گران را هم مسلک بدانید و برای یکبار هم که شده این خون آشامان را به گرسنگی و کالت تشناید ظلم و زور از شما دور خواهد شد آنوقت ژاندارم حامی شما خواهد نه حافظ مالک و ارباب و مستاجر و مباشر.

خبر گرامر حال که صحبت از بی آبی است نظری به اقدامات دهقانان ارادان و دهاات اطراف آن بنشینیم از ارادان گرامر

باید طیب و دوا بر ای دهقانان ایران فرستاد.

شهبازان اوسا هم گریه

بقیه از صفحه ۱

این وکیلان و وزیران را بسنج
این نشان داران شیطان را بسنج
خاک ما محصول آفر نیست
زارع ایران هنر ورنیست
مدنیات وطن کم هست
بهر کارش قطع آدم هست
آزموده کارگر قطع است
کار کشته برزگر قطع است
میهمان هر سال از دانشگاه
نومهندس های آماده شده
دشت و مرتع، کوه و دره، آبشار
هم زمین موجود، هم نیروی کار
بس چرا از بابت یک قرص نان
داد مردم میرسد تا آسمان
در بلوچستان را میخورند
کودکان چون گوسفندان میچرند
مردم مهجور آذربایجان
نیهای بیجان و نیسی نیم جان
خاک کرمان، خاک خوزستان
خاک برای صاحب ملکیت پلاست
نفت ما را انگلیسی می برد
شرکت نفت پارس میخورد
میتراشد بهر ما خان و وزیر
هم وکیل و هم رئیس و هم امیر
این جنایت را مواجب می دهد
مغنی و دزدانکی شب می دهد
بعد میسازد برای ما حساب
کیست میرزا؟ رشوه خوار لا کتاب
آنکه بر ما کدخدائی می کند
پیش امریکا کدائی می کند
جان طفلك، لولیان، مرگ من
از تو می پرسم داداش، اوسا حسن
این وکیلان را تو کردی انتخاب
از چه مینرسی بگو معنی نواب
خیر، این ناطق که مثل بلبل است
این وکیل نیست مال قوسول است
آلت فل، اند این بد فطرتان
حاتم طائی بخرج میهمان
هم ز آخور هم ز توبره میخورند
در چنزار سفارت می چرند
رادیو تهران بساط حرف مفت
با حرارت ناطقی اینطور گفت
از نژاد و نسل ساسانیان ما
زادهای مرحوم خاقانیان ما
از تبار اردشیر و کیقباد
نسل اصل اودشیر و سند باد
یعنی ای مثنی حسین برزگر
یعنی ای کیلا غلام بشه ور
یعنی ای اوستا علی، اوستا رضا
یعنی ای آقای اوستا مرتضی
چونکه هستی از نژاد کیقباد
گفته هستی؟ باش جیگت در نباد
لغت و عود و کشتهای آسوده باش
ذوق کن شهبازده هستی ای داداش
این جریان مال تو تهران تا ونگ
بیشکش دکان ولی بی ناخنک
این وطن مال تو با قدری ساق
تا ببینی در فراق یک اطاق
بشت شیشه سبب زنجار را بین
عطر به مال صفاها را بین
کیک آویزان ز یک پا خوشک است
شیشه ای پر از مریا خوشک است
خوردنی ها را تماشا کن فقط
چشم را با معرفت و آکن فقط
همت عالی طلب از امری
رهای هوشیار
مست سیرابی سوی آبدوغ خیار
گر توتون دادم شد گاهی بکش
گاهگاهی هم نشد آهی بکش
الغرض شهبازده اوسا هم گریه
تا که این رنگی است ما ول معلطم
حضرت والا جناب «کارگر»
حضرت علیه باو «برزگر»
ترس و فقر و جمل بادا آن تو
در ضمیمه زنده باد ایران تو

ره آورد سفر گیلان

بهار دیگر مرا بگشت افکنند
رختم اندر محیط رشت افکنند
دومی را و اولی را هم
سری خون دل هویدا بود
پس اسماعیل وضوح پیدا بود
غارت صبر و عوش و طاقت من
بشت هم تا گران رفته به پیش
بر فراز خر به نوبه خویش
پر زنان در هوای آزادی
داو ها در کنار اسان ها
همه مشغول کندن جان ها
محنت خویش و راحت دیگران
بهر کشت برنج رفته به رنج
پای تاساق و دست نسا آریج
مالک مست خفته در پر تو

ایک نمان میدهی بملت خویش
از چه تن میدهی بدلت خویش
خیز و بر کف بکیر داس گران
تا تو با کارگر برآه قیام
تا تو هم مهره سیاه قیام
آنکه این رخت تیره بهرتو دوخت
۱. بیلهور



یک گوشه از دموکراسیون و میتینگ با شکوه
جوانان هواداران صلح در روز جمعه بیست اردیبهشت در تهران
مرکز بر جنگ افروزان امریکائی و انگلیسی

دهقانان کندوله کرمانشاه را در یامید

دهقانان و خورده مالکین کندوله
کرمانشاه با زحمت شهاروژی و طاقت
فرسا برای یک لقمه نان جوین و دوجب
در تلاشند و مأمورین استانداری و
مأمورین با شیعیان اعظم و زنگنه تباری
در عهد و در صد پایمال گرسن حقوق حق
تازان بر آمده اند و عزیز اعظم و زنگنه
نایبند بی موکل کرمانشاه نیز در همه
این جریانات ضد بشری برادر خود شیخ
علی را تایید میکند
استاندار کرمانشاه که دست نداشته
اعظم زنگنه بود و بساط قلدری و دیکتاتوری
ما همه داریم بدست «گر بازدمه» (۱)
ما همه در راه ایران یورته
۱- گر بازدمه بزبان کیلیکی یعنی
دسته بیل است.
نقل از روزنامه چلنگر

پهن کرده است و مدیران جراید حق
کو را بدستگیری احمدی دادستان محکوم
و زندانی میکند باین جنایات صحنه میگذارد
جالب توجه اینست آقای دکتر
مصطفی که داعیه ملت خواهی دارد اکنون
که براریکه صدارت تکیه میزند دست
بترکیب این دشمنان آزادی و آسایش
خلق که بنام استاندار و دادستان و منتقد
بلای جان مردم اند ترحم است و روزنامه
های باصلاح مالی که خود را ظاهر آ
طرحه دار آزادی معطوبات و آسایش عمومی
قلندار میکنند از پیشوای خود که بنحست
وزیری رسیده است ابد ازل جهانیه
صمصام را که بصورت یک مدیر روزنامه
سیلی نواخته است تقاضا نمیکنند «ظاهراً»
برای مقاصد ملی ا جبهه ملی استبداد را
نظیر جهانیه صمصام هنوز ضروری هستند.
دهقانان کندوله کرمانشاه جدا از

دیگر هیچ پناه ای

بقیه از صفحه ۱

بشدت متضرر میباشد و وظیفه یک دولت
و اقفا ملی است که دست استثمار گران
جنگ طلب امریکائی و انگلیسی را که
میخواهند کشور ما را بیدان جنگ بر
ضد شوروی تبدیل کنند از خاک وطن ما
کوتاه کنند مستشاران نظامی خارجی را
از ایران بیرون بریزد و بجای تانک و
توپ و سلاح های کشنده تراکتور و خرمن
کوب برای دهقانان تهیه کند و بجای
سربازخانه و زندان برای مردم این مملکت
مدرسه و مریشخانه بسازد
۳- در مقابل شرکت غارتگر
نفت جنوب و شرکت امریکائی بحرین
مردانه ایستادگی کند و با تانک و نیروی
ملت ایران دزدان امریکائی و انگلیسی
را از خاک ایران بیرون کند
ملت ایران ایست که سرمایه ملی خود
را بدست بگیرد و این خواست ملت به
نیروی مبارزه توده های زحمت کش ملت ما
علی خواهد شد
۴- و اما در مورد دهقانان ایران
قبلاً نیز تقاضای دهقانان ایران را تذکر
داده ایم:

زمین و آزادی شعار مبارزه
دهقانان ما میباشد. دهقانان ایران
از دولت میخواهند که زمین و
آب و وسایل کشت و کار بآنان
و اعطای نمایند. اراضی زراعتی
مالکین بزرگ و املاک خالصه
دولتی را مجاناً و بلاعوض بین
دهقانان بی چیز و خرده مالکین
که زمین باندازه کافی ندارند
تقسیم نمایند، فشار و ظلم و قلدری
مأمورین دولت و مالکین عمده
را از دوش دهقانان زحمت کش
بردارد و دهقانان را در تعیین
سرنوشت خویش آزاد بگذارند
دهقانان ایران مدرسه
و مریشخانه میخواهند دولت
باید بجای تانک و توپ امریکائی
برای دهقانان ایران مریشخانه
و مدرسه ایجاد کند و بجای
سرباز و سر نیزه معلم و کتاب و
پزشک و دارو بددات ایران
بفرستد. اینست تقاضاهای اساسی
دهقانان ایران.

دولت تقاضا دارند:
اولاً- به ژاندارمری آنجا دستور
داده شود که از مزاحمت روزافزون
خورده مالکان و دهقانان دست بردارد
تأیید در حالیکه در سه کیلو متری
کندوله دست مرزبانی و در پنج کیلو متری
آنجا دست ژاندارمری گرگوار وجود
دارد برای تأمین رفاه اهالی دهنور داده
شود که باسکه ژاندارمری کندوله منحل
شود
ثالثاً جهانیه صمصام که بساط قلدری
و خانقاهی را در سراسر کرمانشاه گسترده
است عزل و تعقیب شود
رابعاً از دخالت های بیبورد اعظم
زنگنه نیابند فرمایشی کرمانشاه در امور
عمومی آن سامان جلوگیری بعمل آید.
اتحاد - ما انجام تقاضاهای دهقانان
و خورده مالکین کندوله را - جدا از
دولت میخواهیم و انتظار داریم که
دهقانان و خورده مالکین کندوله با اتحاد

شماره ۵

زندگی و مبارزه

بقیه از صفحه ۱

میشود. هنوز به ورامین نرسیده به تهریک
شکرالله یک مأمورین نظام وظیفه او را
در میان گرفته بجوهر سرباز گیری میبرد
و بدون آنکه باعث تراشهای او ترتیب
انری بدهند او را سرباز تشخیص داده
و بسرباز خانه میفرستند.
بس از دو سال خدمت طاقت فرسای
سربازی علی همت که جوانی ۱۷ ساله
است بادی برای کینه دو باره بدر میگرد
ولی این بار او بخته تر و فهمیده تر شده
است و بهیچویی برده است که باشخصی
از قبیل شکرالله یک افرادی چون او یک
تنه نمیتوانند مبارزه کنند بهلاوه بیکاری و
گرسنگی باو مجال نیده و ناچار میشود
که برای تهیه نان بخور و نمیر بیکدخدای
آبادی مراجعه کند. کدخدا هم او را
بنوگوری قبول کرده و بکارهای زراعتی
مشغول میکند. علی همت باید شب و روز
بکدخدا خدمت کند و در ازاء این خدمت
میتواند فقط شکمی نان جو و آتش کشت
سیر کند. کدخدا چون میبیند که علی همت
با کمال دلبردگی کار میکند برای آنکه
قیمتی گران بپاهاش بگذارد زنی برای
او میگیرد و مزدی مختصر برایش قرار
میدهد که آنرا هم هواره بابت مخارج
عروسی از او کسر میکند.

این حال مدت دو سال و نیم دوام
میباید و عاقبت علی همت خود را از چنگال
کدخدا نجات میدهد و سعی میکند که
مخارج زن جوان و دو طفل کوچک خود
را از راه مزدوری و سن گیری فراهم
کند. مدتی این زندگی دشوار میگذرد
و عاقبت چون علی همت دارای دو طفل
دیگر میشود و مزدوری و سن گیری مخارج
یک خانواده شش نفری را تکافو نمیکند
باز جهت دوندگی زیاد در سال ۱۳۲۵
موفق میشود که قطعه زمینی از کدخدا
کرایه کند و با قرار هفت یک بزراعت
مشغول شود علی همت در زندگی کوتاه
خود علاوه بر زحمتی که از تعقیب شکرالله یک
دیده و شکنجه های که از اربابهای
محل تحمل کرده است در تمام مبارزات
دسته جمعی دهقانان شرکت داده و از
پیشرفتهای دهقانان در سالیهای درخشان
۲۳ و ۲۴ حاصل کرده بودند خاطرات
فراموش نشدنی دارد.

علی همت اطمینان دارد که در پرتو
مبارزه دسته جمعی مسلماً بکروز او و
تمام دهقانان بحق خودشان خواهند رسید
و بانتظار آنروز مبارزه بر افتخار خود
را ادامه میدهد.

نمونه ای از دهقانان بندرگز



وضع خراب و حال پریشان آنها از
ارباب و تفسی ژاندارم حکایت میکند
باید با اتحاد و مبارزه باین وضع
پایان بخشید
و مبارزه و اسلحه گیری از تمذبات
متعصبان برخیزند و امید باین دستکار
حاکم بوسیده که با سرکار آمدن دکتر
مصطفی کدکرتن تغییر نکرده است نداشته
باشند.

دهقانان بی چیز و خرده مالکین را از زور گویهای مالکین بزرگ حفظ کنید!